



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور - 5 / مرداد / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه شما برادران و خواهران عزیز که از نقاط مختلف کشور تشریف آورده اید، خوشامد عرض می‌کنم. خدمتگزاری در این نقطه و شغلی که شما در خدمت به دین و مسلمین برای خود انتخاب کرده اید، افتخار بزرگی است. بنده هم خدا را شکرگزارم که امروز توفیق پیدا کردم با شما برادران و خواهران خدمتگزار، این دیدار صمیمانه را داشته باشم. ایام شهادت صدیقه کبری سلام الله علیهاست و امیدواریم همه شما و همه ما و ملت ایران مشمول توجهات و عواطف آن بانوی بزرگ دو عالم قرار گیریم.

خدمت به نماز جمعه، خدمت به دین و تقواست؛ چون نماز جمعه برای گسترش تقوا و روح دینی در مردم است؛ همچنان که خدمت به نماز جمعه، خدمت به آگاهی سراسری ملت ایران است؛ چون نماز جمعه یک عمل صرفاً عبادی نیست؛ عملی است که در ذات و ترکیب خود، آگاهی بخش است؛ هم اجتماع عظیم مسلمانان را هر هفته تشکیل می‌دهد و به رخ دوست و دشمن می‌کشد و هم به وسیله خطیب جمعه، اوضاع و احوال سیاسی برای آنها تشریح و تبیین می‌شود. حقیقتاً نماز جمعه در اسلام ترکیب عجیبی است؛ از یک طرف، توصیه مردم به تقوا و پاکدامنی و اعراض از هواهای نفسانی است و از طرف دیگر، آگاه کردن مردم از جریانهای سیاسی و توطئه‌های دشمنان و نیازهای دوستان و اوضاع دنیای اسلام است. قدر این فریضه عظیم را باید خیلی دانست. امروز به برکت انقلاب اسلامی و با هشیاری امام بزرگوارمان، نماز جمعه به یک ست‌پایدار در کشور تبدیل شده است. قبل از نظام اسلامی، مردم ما با معنا و حقیقت نماز جمعه آشنا نبودند. این لطف خدا بر ملت ما بود - و یکی از برکات انقلاب اسلامی محسوب می‌شود - که ما توانستیم این دریچه دلگشا به سمت معنویت و آگاهی را به روی خود باز کنیم.

البته ائمه محترم جمعه و دست اندرکاران اقامه نماز، بیشترین نقش را در خدمت رسانی این فریضه به مردم دارند و همه این خدمات هم مشکور است. هم شما کارکنان و زحمتکشان و خدمتگزاران ستادهای نماز جمعه در فیض رسانی این فریضه بزرگ به مردم سهیم هستند و هم ائمه محترم جمعه و مسؤولانی که در مراکز به امور نمازهای جمعه رسیدگی می‌کنند، در این فیض رسانی سهیمند. این را باید قدر دانست. مردم هم باید نماز جمعه را قدر بدانند و ائمه جمعه و دیگر دست اندرکاران هم باید جاذبه‌های نماز جمعه را روزبه روز بیشتر کنند. نسل جوان ما تشنه حقیقت، فهمیدن و آگاه شدن است. نمازهای جمعه باید بتواند این تشنگی را به نحو نیکوتر رفع کند. باید به نیاز عمومی نسل جوان پاسخ داد. اگر با نگاه متدبّرانه‌ای به اوضاع کشور خود و گذشته و آینده آرمانی آن نگاه کنیم، نقش نماز جمعه و اهمیت این فریضه را بیشتر درک خواهیم کرد.

پایه همه خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی؛ یعنی هر کس بین خود و خدا سعی کند از جاده صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت هم اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست یعنی اداره درست جامعه؛ این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند. تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرام خوری، دست اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دستاورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیاناً زرتگیهایی که علی‌الظاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان می‌داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، اینها خلاف تقوای اقتصادی است. تقوای اجتماعی؛ یعنی برخورد با مردم در محیطهای مختلف - چه



محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خدا ترسی و امانت و صداقت باشد. اگر این نمونه ها در جامعه تحقق پیدا کند و عملی شود، اکثر مشکلات مادی و معنوی مردم برطرف خواهد شد. تقوا و پرهیزکاری، یعنی گستره وسیع عملهای خوب، اقدامهای خوب، فعلهای خوب و ترکهای خوب.

یکی از مهمترین سرفصلهای نماز جمعه، توصیه به تقواست. البته این گونه تقوا، فقط با گفتن و توصیه کردن تحقق پیدا نمی کند. هر چند گفتن و توصیه کردن، نقش مهمی دارد و نباید از نقش بیان و نصیحت و انذار و تبشیر که شغل پیغمبران است، غافل بود؛ اما توصیه واقعی به خود ما - چه ما به عنوان خطیب جمعه، چه ما به عنوان کارکنان و خدمتگزاران نماز جمعه، چه ما به عنوان طراحان و راه اندازان بخشهای مختلف نماز جمعه - این است که در عمل و رفتار خود حداکثر تلاش را بکنیم که این تقوا فقط در زبان ما ظاهر نشود؛ بلکه در عمل ما هم ظاهر شود. ببینید؛ در اسلام عزیز اینها راههای خیلی طبیعی برای هدایت و اداره درست جامعه و کشور است. در بخش آگاهی رسانی هم مسأله بسیار مهم است. در نماز جمعه، مردم باید با جریانات و مسائل جهان اسلام آشنا شوند و حقیقت را بفهمند. این مطلب همیشه همین طور بوده است، اما امروز از همیشه مهمتر است؛ چرا؟ چون دستگاههای سلطه طلب و مستکبران دنیا پول خرج می کنند برای این که بتوانند حرف دروغ و شایعه پراکنی و فریب و ترفندهای گوناگون تبلیغی خود را به گوش مردم دنیا برسانند و افکار آنها را از راه حق منحرف کنند. چقدر در دنیا خلاف حق گفته می شود! رادیوهایی که این طور پول خرج می کنند و بودجه های دولتی برای آنها می گذارند، برای این است که افکار مردم را در نقطه یا نقاطی از دنیا از جاده حقیقت منحرف کنند و مطالب را به آنها وارونه تحویل دهند و چون انسان دنبال تشخیص و فهم خود راه می افتد، فهم مردم را عوض کنند تا مسیر آنها عوض شود. در چنین شرایطی، آگاه کردن مردم خیلی مهم است.

این که بنده مکرر به مطبوعات و رسانه ها توصیه می کنم که با مسائل کشور مسؤولانه برخورد کنند، به خاطر همین است. دشمن می خواهد مطالب خود را در بین مردم به دروغ و فریب منتشر کند. ما نباید عامل دشمن شویم و کار دشمن را آسان کنیم و همان چیزی را که او می خواهد در فضای فکری و فرهنگی جامعه ما به وجود آورد، در داخل کشور به وسیله مطبوعات، رسانه ها و تریبونها به خورد مردم دهیم. این خطای بسیار بزرگی است. اگر عمداً و با توجه صورت گیرد، خیانت بزرگی است و اگر از روی غفلت باشد، خطای بزرگی است. باید خیلی آگاه و مراقب بود. امروز شگرد سلطه طلبی امریکا و دستگاههای جهتیمی صهیونیستی در دنیا همین است. شما ببینید در فلسطین اشغالی بدترین جنایتها و هولناکترین کشتارها را علیه مردم مظلوم و مغضوب فلسطین انجام می دهند؛ اما در افکار عمومی، فلسطینی را ظالم، و مهاجم و جلاد فلسطینی را مظلوم جلوه می دهند! امروز این گونه از تبلیغات بهره می برند. دشمنان علیه هر چیزی که با سلطه طلبی و منافع نامشروع آنها تقابل داشته باشد، تبلیغات می کنند. در داخل کشور ما هم همین طور است. راهی که اینها برای مقابله با این ملت بزرگ و عظیم الشان و این نظام و کشور عزیز ما در پیش گرفته اند و تشخیص داده اند، همین تبلیغات است. اینها می دانند که اگر در این کشور مداخله نظامی کنند، این ملت آن چنان توی دهنشان خواهد زد که پشیمان شوند. می دانند که محاصره اقتصادی و تلاشهای اقتصادی هم که تقریباً بیست و سه سال است علیه ما اعمال می کنند، اثر چندانی ندارد. محاصره اقتصادی موجب می شود که نیروهای مؤمن و با اخلاص و پُراستعداد داخل کشور، بیشتر به تحرک وادار شوند و تلاش کنند؛ کمالین که در دوران جنگ تحمیلی که ما را محاصره کردند و ملت ما به ابزارهای جنگی احتیاج داشت، جوانان و مغزهای متفکر ما دنبال ساخت ابزارهای جنگی رفتند و چیزی را که آن روز لازم داشتند، تولید کردند. در بخشهای گوناگون دیگر هم همین طور است. وقتی ملتی را محاصره کنند، آن ملت بیشتر به خود و درون خود متوجه می شود و سعی می کند از استعداد درونی خود استفاده نماید. پس محاصره اقتصادی هم فایده آن چنانی ندارد. البته به ملت لطمه



می‌زنند؛ لیکن آن چیزی که آنها می‌خواهند، تأمین نمی‌شود. به طور خلاصه، دشمنان به چند چیز امید بسته‌اند که هم ملت ایران و هم عناصر سیاسی باید به آن توجه کنند. اولین هدف آنها این است که ملت را نسبت به نظام اسلامی دلسرد و ناامید کنند؛ بیشتر تبلیغات و شایعه‌پراکنی آنها متوجه به این هدف است. نقطه دومی که به آن امید بسته‌اند، این است که بتوانند اعتقادات و ایمان مردم را که موتور حرکت آنها در گردنه‌های سخت بوده است، خاموش کنند و از مردم بگیرند. هدف سوم این است تا آن جایی که می‌توانند، کاری کنند که مشکلات معیشتی مردم - که دستگاه‌های اجرایی و مسؤولان دولتی و غیره تلاش می‌کنند آنها را برطرف کنند - حل نشود. از یک طرف با شایعه‌پراکنی و تبلیغات سوء علیه نظام و انقلاب و امام و ارزش‌های انقلابی، مردم را بدبین و ناامید کنند؛ از طرف دیگر با تلاش‌های گوناگون مانع از اصلاح امور مردم شوند و نگذارند مشکلات مردم برطرف گردد؛ از یک طرف هم هر ضعیفی که در کشور وجود داشته باشد - ولو ضعف‌هایی که مدیران اجرایی و دولتها دارند - آن را به نظام اسلامی نسبت دهند.

با مجموع این کارها می‌خواهند این ملت را که پشتوانه واقعی و حقیقی این انقلاب و نظام است، از انقلاب و نظام جدا کنند. البته سعی خود را کرده‌اند، ولی مسلم است که نخواهند توانست. مردم، ایمان و پایبندی خود را به دین، اعتقادات و ارزش‌های والای اسلامی نشان داده‌اند و امروز از الفاظ به ظاهر زیبایی که دشمنان این ملت بر زبان جاری می‌کنند، فریب نمی‌خورند. شما می‌بینید امروز در تبلیغات امریکاییها و اظهاراتشان - نه فقط در سطح رسانه‌ها، بلکه در سطح رؤسا و نمایندگان و رئیس‌جمهورشان و دیگران - از اصلاحات در ایران اسم آورده می‌شود. اصلاحات، کلمه قشنگی است. آن اصلاحی که امریکاییها می‌خواهند در ایران انجام گیرد، عین فساد است. آنها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را که تبلور ایمان مردم و استقلال خواهی آنهاست، از بین ببرند. اصلاحات به نظر امریکاییها یعنی از بین رفتن نظام جمهوری اسلامی. آنها می‌خواهند ملت ایران روی خون شهدای خود قدم بگذارد، ایمان و عقاید و باورهای خود را لگدمال نماید، به تاریخ و گذشته خود پشت کند و در مقابل فشار سیاسی و تبلیغاتی تسلیم شود. آنها با هر اصلاح واقعی در این کشور مخالفند. شما ببینید وقتی مبارزه با فساد مطرح می‌شود و دستگاه‌های اجرایی و قضایی در راه مبارزه با فساد اقدام می‌کنند، از طرف همین دستگاه‌های تبلیغاتی دشمنان و عواملشان در داخل، علیه این حرکت، جنجال و هیاهو شروع می‌شود. اینها طرفدار اصلاحند؟! مبارزه با فساد را با انواع تهمتها متهم می‌کنند، برای این که انجام نگیرد؛ چرا؟ چون این، یک کار اساسی در کشور است.

ما سال گذشته مسأله اشتغال را مطرح کردیم؛ امسال هم روی آن تأکید نمودیم و جلسات متعددی تشکیل شد و مسؤولان دولتی با جدیت دنبال این کار را گرفتند. اما دشمنان برای این که حواس مسؤولان را پرت و ذهنها را به جاهای دیگر منعطف کنند، انواع و اقسام کارهای خباثت‌آمیز و رذالت‌بار را در تبلیغات خود انجام دادند تا موضوع اشتغال، اصلاح معیشت مردم و رفع بیکاری از جوانان کشور تحقق پیدا نکند.

از نظر امریکا، اصلاح طلبان، نقابدارانی هستند که به خیابانهای تهران بیایند و شیشه‌های مغازه مردم را بشکنند یا اتومبیل مردم را آتش بزنند! هرکس در هر گوشه‌ای از کشور علیه مصالح این ملت، انقلاب و امام حرفی بزند، از نظر آنها اصلاح طلب است! من اصرار دارم که جناح‌های سیاسی، حساب خود و شعارهای خود را از حساب امریکا جدا کنند و روشن نمایند که آنچه امریکاییها می‌گویند، چیست و آن چیزی که آنها می‌خواهند، چیست. اصلاحات باید تعریف شود. اصلاح واقعی در این کشور این است که فقر ریشه کن شود؛ تبعیض وجود نداشته باشد و فساد اداری و اقتصادی نباشد. در راه این چیزها مانع تراشی می‌کنند؛ آن گاه برای ملت ایران دل می‌سوزانند!

امروز مردمی‌ترین حکومتی که ما می‌شناسیم، حکومت جمهوری اسلامی است. پایه‌های این حکومت، فقط آراء مردم نیست؛ آراء و عواطف و ایمان مردم پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است. مقدس است به خاطر این که با ایمان مردم سروکار دارد و با آن پیوند و گره خورده است. درعین حال می‌گویند این نظام، غیر مردمی است!



همین‌ها هستند که از نظام‌های کودتایی، استبدادی و کشورهای که هرگز هیچ مجلس و آراء و انتخاباتی به خود ندیده‌اند، حمایت می‌کنند. همین‌ها هستند که از اسرائیل غاصب، با این همه جلادی، حمایت می‌کنند. امروز امریکا صلاحیت ندارد راجع به مردم سالاری حرف بزند. دولت امریکا صلاحیت ندارد راجع به اصلاح کشورها سخنی بر زبان جاری کند؛ خود آنها کانون فسادند. امروز بزرگترین مبارزه با امریکا، کار کردن و تلاش نمودن و مجاهدت برای اصلاح امور کشور است؛ امریکاییها این را نمی‌خواهند. مسؤولان دولتی و بخش‌های مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هر کس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگترین مبارزه را با امریکا کرده است؛ چون امریکاییها نمی‌خواهند گره‌های این کشور و این ملت باز شود؛ آنها می‌خواهند این مشکلات پماند.

مسؤولان دولتی باید فرصت کار را خیلی مغتنم بشمارند؛ فرصت حقیقی این است. تأمین کردن کشور در مقابل تهدید امریکا به این است که مسؤولان دولتی هرچه می‌توانند، برای مردم صادقانه کار کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند. گاهی انسان از بعضیها می‌شنود که اسم فرصت را می‌آورند، اما مرادشان فرصت تسلیم در مقابل امریکاست: آقا! فلان فرصت را از دست دادیم (!) چه فرصتی؟ تسلیم شدن در مقابل زورگویی و زیاده‌طلبی یک جهان‌خوار و یک قدرت متکبر، هیچ افتخاری ندارد و هیچ وقت فرصت محسوب نمی‌شود. هر چیزی که برای این کار فرصت تلقی شود، برای منافع ملی یک تهدید است؛ فرصت نیست. فرصت، یعنی فرصت کار برای مردم. فرصت، یعنی فرصت مقابله کردن با عوامل و ایادی و ابزارهای امریکا و دشمن در داخل کشور. نمونه‌ای از آن را شما ملاحظه کردید و از رسانه‌ها شنیدید؛ اینها ایادی مرموز دشمنند. این همان چیزی است که من از هفت، هشت سال قبل مرتب به مسؤولان فرهنگی هشدار داده و گفته‌ام که سرانگشتان دشمن برای تسخیر فرهنگی کشور و استحاله فکری مردم تلاش می‌کنند. الان ببینید اعترافها و حقایق آشکار می‌شود.

مسؤولان دولتی و قضایی باید با کسانی که شایعه پراکنی می‌کنند و دروغ به خورد مردم می‌دهند، برخورد کنند. تعجب این است؛ بعضیها با حرکت مبارزه با فساد هیچ همراهی نمی‌کنند، بلکه با آن معارضه هم می‌کنند. همین‌ها شایعه‌فشار را منتشر می‌کنند؛ یعنی هم مردم را بدبین می‌نمایند، که گویا الان موج فساد همه جا را گرفته است؛ هم عملاً در مبارزه با فساد - در همان جاهایی که فساد هست - اختلال می‌کنند. این دیگر نمی‌تواند قابل گذشت باشد.

هم دستگاه‌های دولتی - قوه مجریه - هم قوه قضاییه و هم مجلس باید به وظایف خود بیشتر توجه کنند. مسؤولیت رهبری در قبال مردم این است که مسؤولان قوای سه‌گانه را به وظایف حقیقی خود توجه دهد و اگر یک وقت خواستند حرکتی بکنند که به انحراف نظام و کشور منتهی می‌شود، به آنها هشدار و تذکر دهد. مسؤولیت امور جاری کشور به عهده دستگاه‌های ذی‌ربط است - دولت، قوه قضاییه و مجلس - اما مسؤولیت رهبری فراتر از اینهاست؛ مسؤولیت بسیار سنگینی هم هست. آن جایی که مسؤولان و مدیران قوه مجریه، قوه قضاییه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهند حرکتی را شروع کنند که با اهداف نظام اسلامی معارض است، رهبری باید در مقابل آنها سد شود و به فضل الهی خواهد شد. این که بوقهای تبلیغاتی استکباری علیه رهبری بسیج شوند و بعضی از عوامل داخلی از روی غفلت یا خدای نخواستہ از روی آگاهی با آنها همصدا شوند، موجب نمی‌شود که انسان این مسؤولیت عظیم الهی را از یاد ببرد. ما به قیامت و سؤال الهی و مؤاخذه الهی اعتقاد داریم؛ مؤاخذه زید و عمرو اهمیتی ندارد. ملت بزرگ ما نشان داده که پای اسلام و انقلاب و ارزشهای اسلامی ایستاده است؛ درست هم فهمیده است. امور این کشور را جز اجرای مقررات عادلانه و فاخر اسلامی چیز دیگری حل نخواهد کرد. جلو سلطه دشمن و تسلط دیکتاتوری ظالمانه‌ای را که دشمن می‌خواهد در این کشور برقرار شود، هیچ چیزی جز اسلام نمی‌گیرد. دشمن می‌خواهد در کشور هرج و مرج شود؛ بی‌ایمانی باشد؛ بی‌اعتمادی به حکومت باشد و در سایه این هرج و



مرج و اغتشاش، یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری رضاخان را سر کار بیاورد؛ همان چیزی که یک بار در اوایل این قرن در دوره رضاخان و یک بار هم در 28 مرداد در ایران تجربه شد. 28 مرداد هم همین طور شد؛ گروهی از ایادی داخلی آنها تبلیغات و جنجال و هیاهو راه انداختند و اغتشاشگران به خیابانها ریختند. به دنبال آن، کنار زدن روحانیت و ناامیدی مردم و آمدن امریکا بود و دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمدرضا آغاز شد. امروز می خواهند آن کارها را بکنند.

البته مردم بیدارند و امروز آن روزها نیست. امروز، روزی نیست که امریکا بتواند مثل 28 مرداد، یا انگلیس مثل دوران رضاخان عمل کند. جوانانی که در این کشور برای دفاع از اسلام آماده هستند، این خانواده ها، این پدر و مادرها، این زن و مرد مؤمن و آگاه و غیور، امروز ملتی را تشکیل داده اند که اسوه و نمونه ملتهاست. ملت‌های دیگر به شما نگاه می کنند و از شما تعلیم و پیام می گیرند. تا شما سر پا ایستاده اید - که ان شاءالله به فضل الهی همیشه همین طور خواهد بود - امید و شوق ملت‌های مسلمان به اسلام روزبه روز بیشتر خواهد شد و ان شاءالله پایه های استکبار به دست ملت‌های اسلامی متزلزل خواهد شد و فرو خواهد ریخت.

از خداوند متعال می خواهیم لطف و فضل خود را بر شما عزیزانی که از نقاط مختلف تشریف آورده اید و بر همه ملت ایران نازل کند و توجهات ولی عصر ارواحنفاذ را شامل حال شما قرار دهد و روح مطهر امام بزرگوار و ارواح طیبه شهدا را با اولیایش محشور کند.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته